

علم أصول الفقه

۱۲

۹۳-۱۱-۱۵ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

ابتلاء المؤمنين

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (٩)
- إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (١٠)

ابتلاء المؤمنين

- هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلُّوا زُلْالًا شَدِيدًا (١١)
- وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (١٢)
- وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (١٣)

ابتلاء المؤمنين

- وَ لَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَ مَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (١٤)
- وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (١٥)

ابتلاء المؤمنين

- قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (١٦)
- قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (١٧)

ابتلاء المؤمنين

- قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا (١٨)
- أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (١٩)

ابتلاء المؤمنين

• يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا
 لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ
 كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (٢٠)

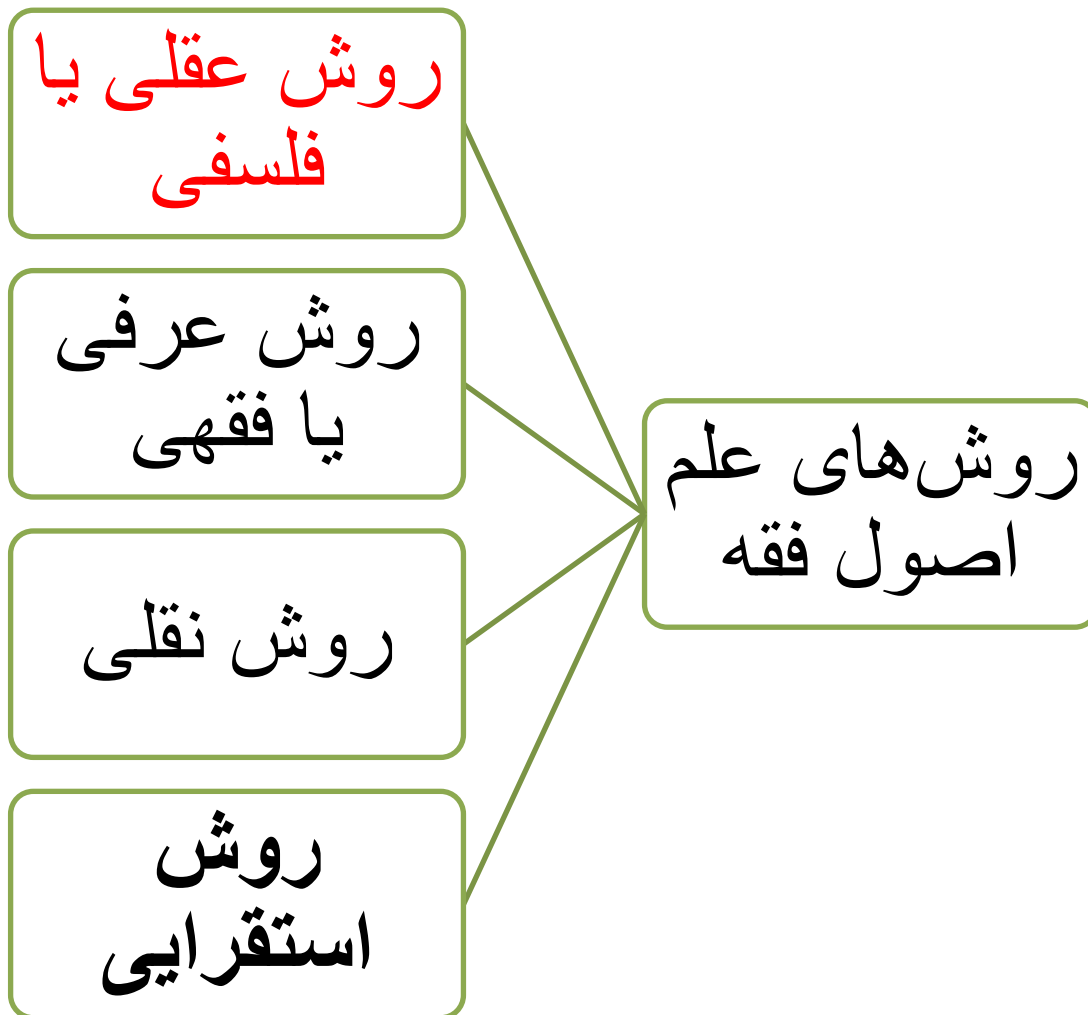
ابتلاء المؤمنين

- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (٢١)
- وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا (٢٢)

ابتلاء المؤمنين

- مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (٢٣)
- لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ عَظِيمًا (٢٤)
- وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا (٢٥)

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

روش تحلیلی
مبتین
بر تحلیل
فرایند اندیشه

منطق
ارسطویی

روش قیاسی

روش عقلی
یا فلسفی

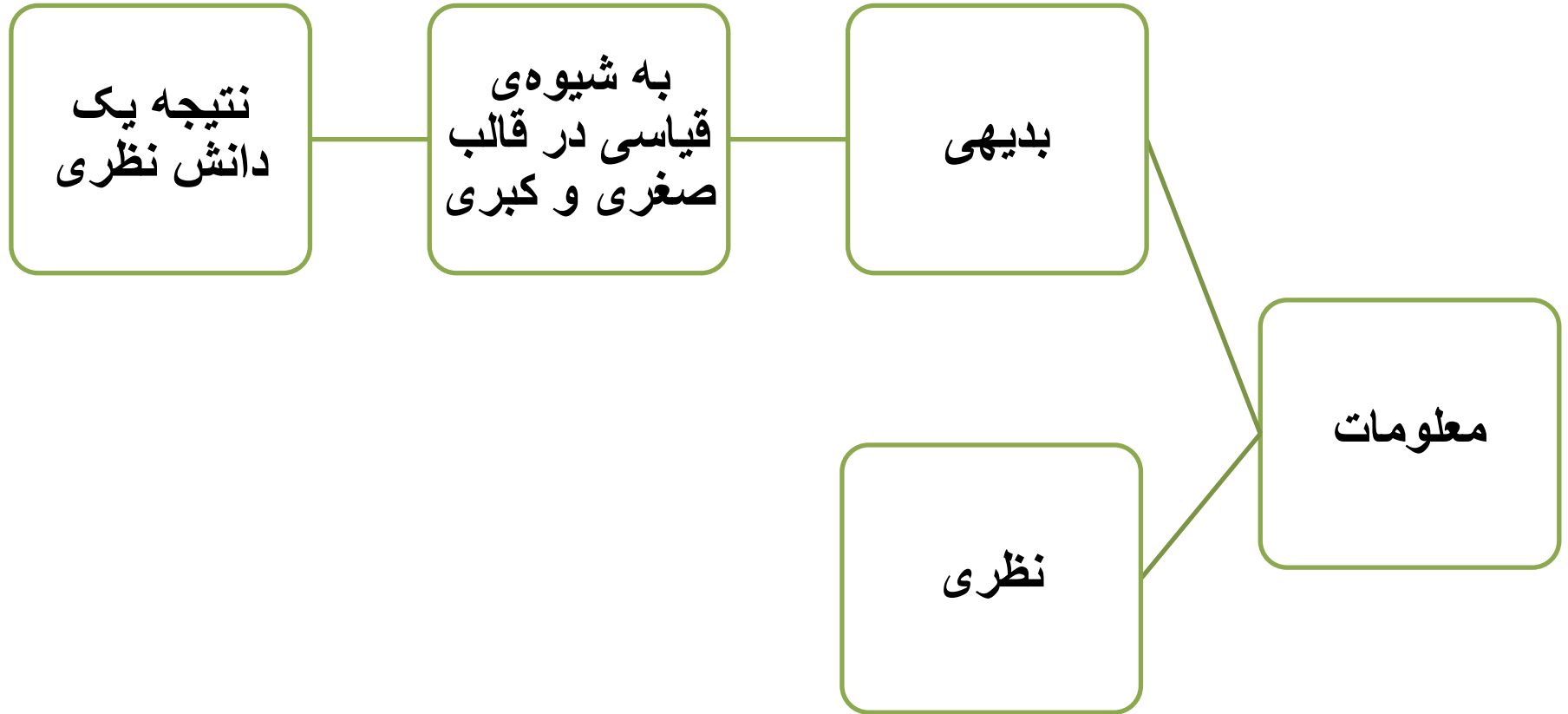
ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

بیان قوانین
طبیعی حاکم بر
ذهن بشر در
هنگام اندیشیدن

آله قانونیه

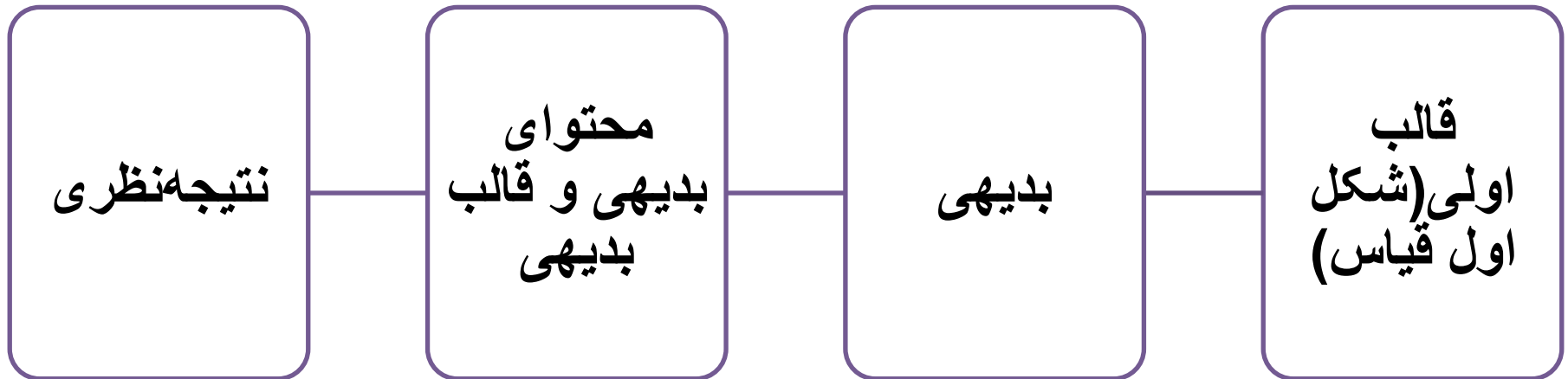
منطق ارسطویی

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

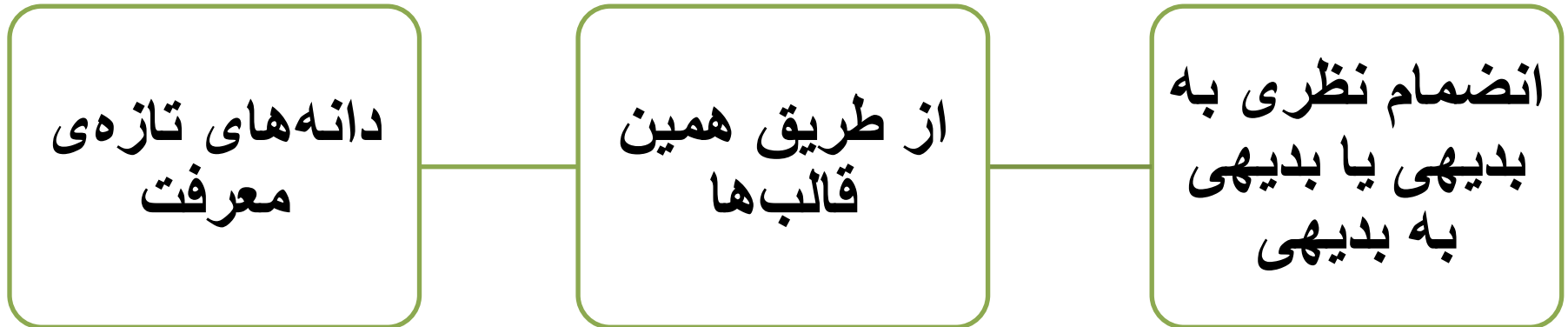


ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

منطق
ارسطویی



ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی



غیر آن قالب اولی، بقیه‌ی قالب‌ها نیز به نحوی از قیاس شکل اول و از طریق نوعی فرایند قیاسی به دست می‌آیند.

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

نتیجه در خود آن
مقدمات مستبطن
است

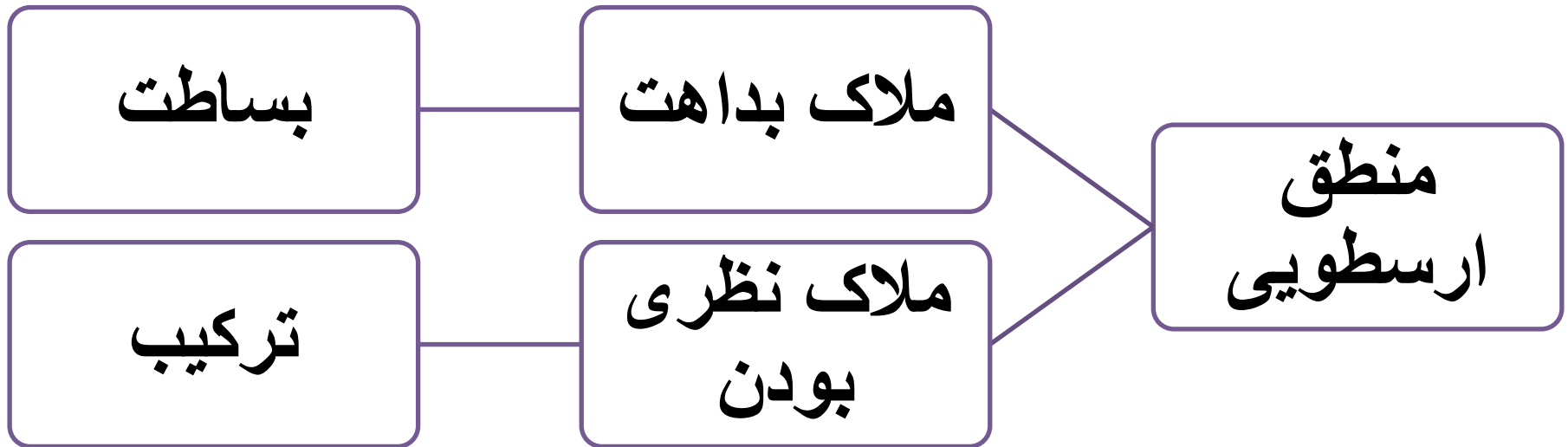
اساسی‌ترین اشکال

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

تفصیلی
منطقی (علم با
التفات به اجزاء)

علم اجمالی
منطقی (علم است
بدون التفات به
اجزاء)

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

- اشکال دیگر منطق ارسطویی
- شهید صدر در مبانی منطقی استقراء به تبیین و توضیح این مطلب می‌پردازد.
- اعتقاد وی در آنجا این است که قضایای ادعا شده جز اولیات به آن معنایی که منطق ارسطویی می‌گوید، بدیهی نیستند.
- ما نیازمند قضایای دیگر مثل مجریات و غیره نیز هستیم که اینها فقط از طریق استقراء به دست می‌آیند.

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

- این دو اشکالی که مطرح کردیم، اساسی‌ترین اشکالاتی است که در فلسفه غرب بر منطق ارسطویی مطرح شد.
- کسانی مثل فرانسیس بیکن و دکارت که به دنبال کشف یک منطق تازه برآمدند، همین اشکال را در ذهن داشتند که با منطق ارسطویی نمی‌توان دانش تازه‌ای را به دست آورد.
- این عده تلاش کردند با طرح روش تجربی یا استقرایی به روزه‌ای برای معارف تازه دست یابند که این مطلب را در بررسی روش استقرایی پی خواهیم گرفت.

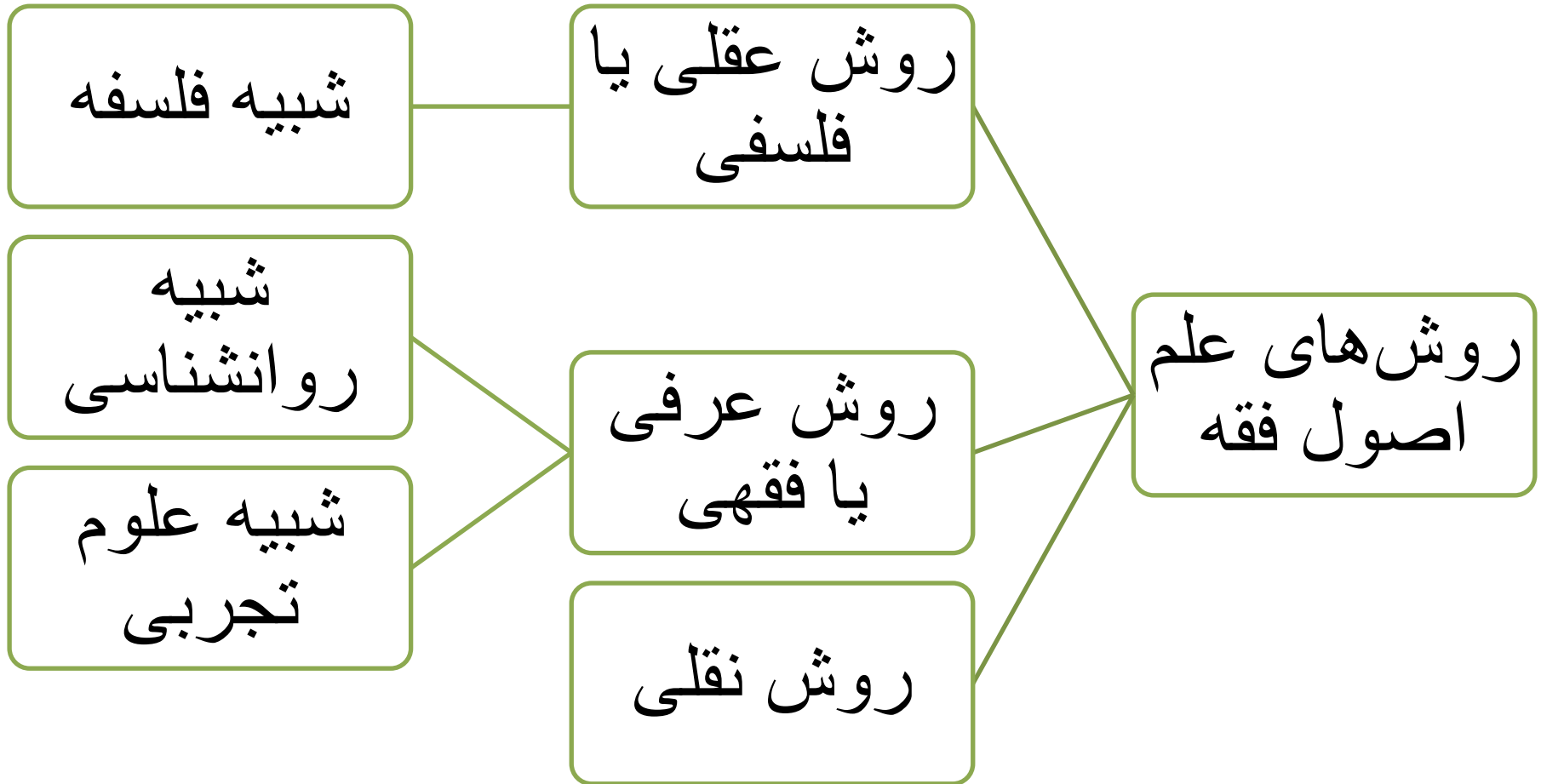
ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

- اما باید توجه داشت که نمی‌توانیم این را انکار کنیم که **روش قیاسی در داخل خودش یک ساختار کاملاً منسجم** است و ما در تحلیل و دستیابی به علم تفصیلی از طریق علوم اجمالی، راهی جز استفاده از روش قیاسی نداریم.

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

- به همین دلیل مشاهده می‌کنیم منکران سرسخت روش قیاسی وقتی خواستند روش خویش را عرضه کنند و یا از روش خویش استفاده نمایند و نتیجه‌گیری کنند، عملاً از روش قیاسی بهره بردند.
- آنها نتوانستند سیستم و روشی را عرضه کنند که کاملاً از روش قیاسی بی‌نیاز باشد.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



روش در روان شناسی

1. روش ذهنی یا
انفسی (ساجکتیو)

2. روش عینی یا
آفاقی (آبجکتیو)

روش روان
شناسی

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در طریقه‌ی ذهنی، به ذهن خود مراجعه می‌کنیم و در واقع معلومات خود را بازنگری می‌نماییم و به تعبیر منطق ارسطویی معلومات خود را مورد التفات و توجه دوباره قرار می‌دهیم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این معلومات یا حضوری‌اند و یا حصولی. بنا بر آنچه در فلسفه بیان گردیده، وقتی معلومات حضوری مورد توجه و التفات قرار می‌گیرند، به معلومات حصولی تبدیل می‌شوند. معلومات حصولی به دو دسته قابل تقسیم هستند:

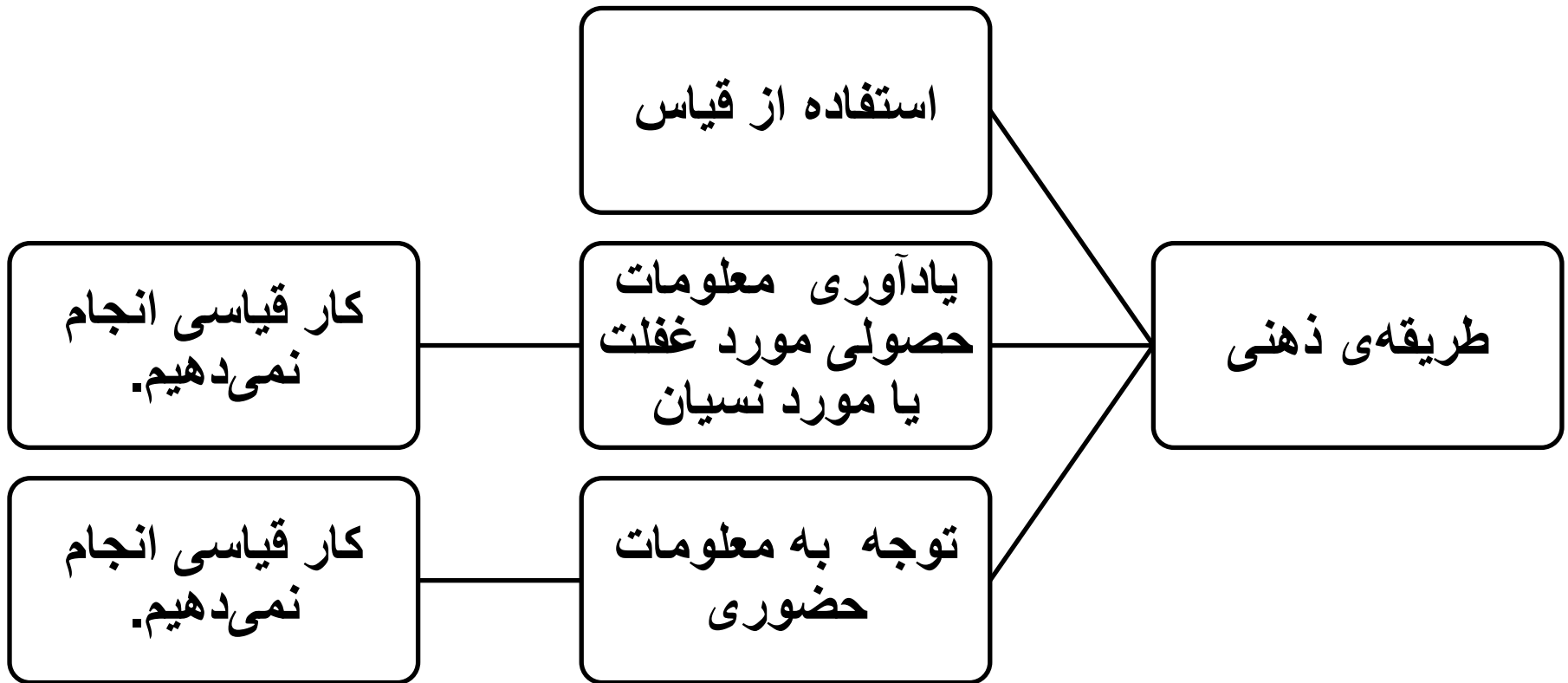
ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۱. معلوماتی که به آنها توجه نداریم و از آنها غفلت کرده و یا آنها را فراموش نموده‌ایم که در این صورت با توجه به آن معلومات، دوباره آنها را به یاد می‌آوریم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۲. معلوماتی که در لابه لای معلومات دیگر مستتر است و با انضمام آن معلومات به یکدیگر آشکار می‌گردد که در این صورت ما از روش قیاسی استفاده کرده و علم حصولی اجمالی را تبدیل به علم حصولی تفصیلی نموده‌ایم.

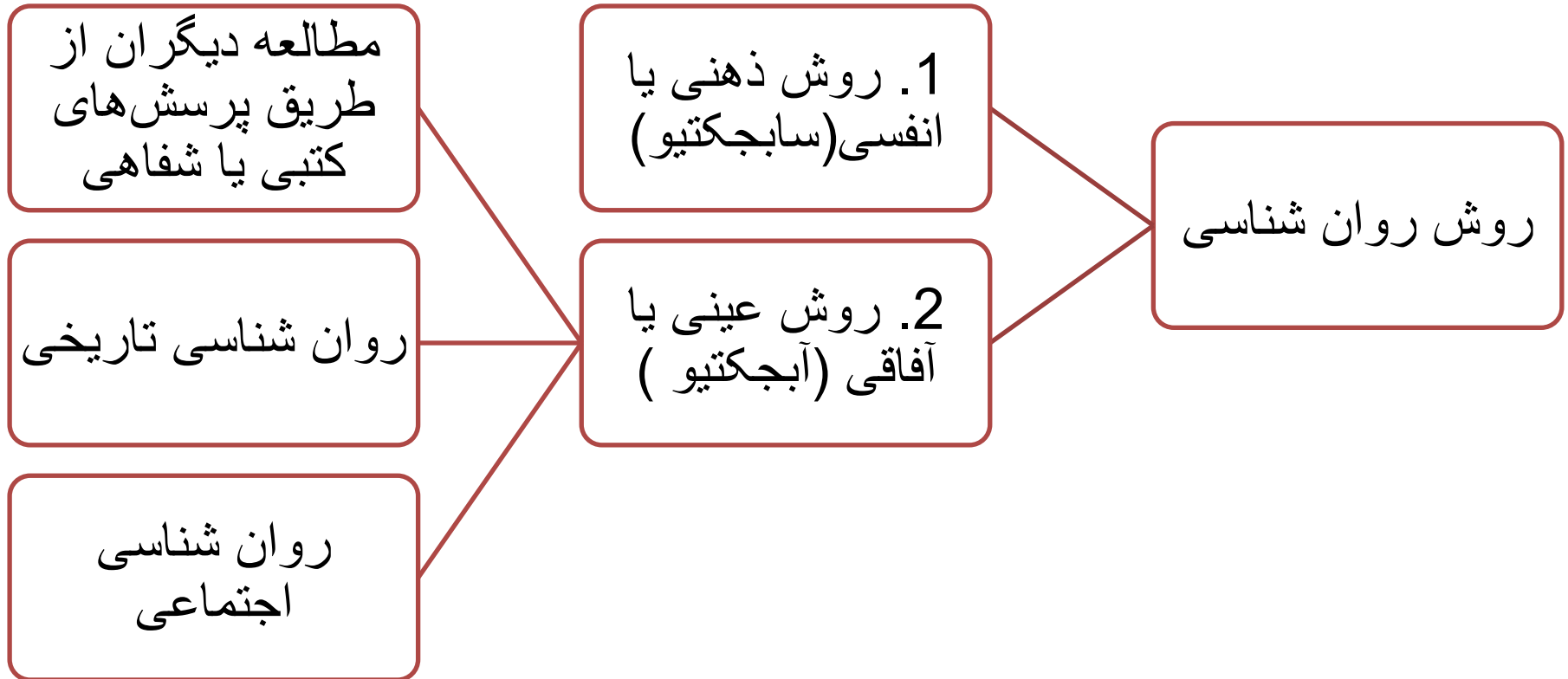
ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اما همان طور که گفتیم ما در طریقه‌ی ذهنی می‌توانیم به این مقدار نتیجه‌گیری کنیم که چنین ارتکازی را داریم. ولی در سرایت آن به دیگران و توسعه آن نیاز به تحلیل جهت آن ارتکاز داریم و روش عینی در این جهت می‌تواند به ما کمک کند.

روش در روان شناسی



ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در طریقه‌ی عینی به مشاهده‌ی ارتکازات دیگران می‌پردازیم و از آنجا که خودِ ارتکازات امر قابل مشاهده‌ای نیستند، آثار ارتکازات مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع از وجود آثار ارتکازات به وجود خودِ ارتکازات می‌رسیم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اگر خوب توجه کنیم، درمی یابیم که در این صورت از قیاس بهره گرفته ایم.
- زیرا معتقدیم **ارتکاز مورد نظر ما برای یک رفتار و عمل خاص سببیت دارد** و اگر این سببیت نبود و این ارتباط بین این ارتکاز و آن رفتار وجود نداشت، اصلاً آن رفتار کاشف از این ارتکاز نبود. پس می گوییم: عملی که شخص انجام می دهد، نتیجه‌ی این ارتکاز است.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین درست است که روش عرفی به لحاظ روشی، غیر از روش قیاسی است، اما در متن خود این روش، از قیاس استفاده می‌شود.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- از آن سو، وقتی موارد جزئی را مشاهده می‌کنیم - یعنی چند فرد را مورد بررسی قرار می‌دهیم و با مشاهده رفتار خاصی از آنها، ارتکاز آنها را کشف می‌کنیم - و با مشاهده این جزئیات به نتیجه‌ای کلی می‌رسیم - مثلاً می‌گوییم: همه‌ی عقلا یا همه‌ی مسلمانان چنین روش و منشی دارند - ، یا از استقراء بهره گرفته‌ایم یا به نحوی یک قیاس تشکیل داده‌ایم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم بگوییم: روش عرفی در مقام استنتاج و در متن خودش یا از قیاس استفاده می‌کند و یا از استقراء.
- یعنی اگرچه در یک بحث روش شناسانه، روش عرفی از روش قیاسی و روش استقرایی و روش نقلی جدا می‌شود، ولی وقتی این روش را تحلیل می‌کنیم، درمی‌یابیم این روش، نوعی تطبیق قیاس و تطبیق استقراء است. اما از آنجا که مجموعه‌اش یک نوع خاصی است، برای خودش یک روش به حساب می‌آید.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- با این وصف تمام آن اشکالاتی که در باب قیاس و در باب استقراء در بحث معرفت شناسی وارد می شود، در اینجا هم قابل طرح است و پاسخ های آنجا در اینجا هم جریان دارد.
- در واقع در روش عرفی با همان محدودیت ها و مشکلات و سؤالات روش قیاسی و استقرایی مواجه هستیم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اضافه بر اشکالات فوق، اشکالات دیگری نیز متوجه روش عرفی است. آن اشکالات به دلیل پیش فرض‌هایی است که این روش‌ها بر آنها مبتنی است. اجازه دهید این مطب را با ذکر چند مثال واضح سازیم:

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۱. در روش ذهنی از «تبدیل علم حضوری به حصولی از طریق التفات» و «یادآوری علم حصولی» سخن گفتیم. این دو کار که کاری غیر قیاسی است، بر یک سری مبانی در معرفت شناسی نسبت به اصل معرفت، تقسیم معرفت به حضوری و حصولی و نسبت بین این دو قسم (حضوری و حصولی) مبتنی است.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- استفاده از روش ذهنی مبتنی بر پذیرش این مبانی است و تردید در آن مبانی کاربرد این روش را دچار مشکل می‌کند. البته عمده اشکالی که در اینجا مطرح است، همان امکان معرفت و امکان دستیابی به مطابقت این معرفت با واقع است که در روش قیاسی به آن پرداختیم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۲. در روش عینی بحث از مراجعه به دیگران و کشف سیره‌ها و ارتکازات آنها است. و در خصوص ارتکاز گفتیم از آنجا که خود ارتکاز امری مخفی است، باید از روی نشانه‌های ارتکاز به خود آن پی ببریم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- یکی از پیش فرض‌های ما در کاربرد روش عرفی با رویکرد عینی علیت است. باید اصل علیت را و تأثیر ارتکازات را بر سیره بپذیریم و بعد وجود سیره را دلیلی بر وجود ارتکاز بدانیم. آنچه قابل مشاهده است، رفتار مردم است، اما معتقدات آنها - آنچه در ذهن دارند - امری نیست که بتوانیم مشاهده کنیم. از روی آثار و نشانه‌های این معتقدات می‌توانیم به آنها پی ببریم و این مبتنی است بر این که بپذیریم بین معتقدات و بین رفتارها، رابطه‌ی علی وجود دارد.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۳. در رویکرد تحلیلی گفتیم: وقتی به خود مراجعه می‌کنیم و یک ارتکاز را به دست می‌آوریم و یا وقتی به تعدادی از افراد مراجعه می‌کنیم و یک سیره یا ارتکاز را به دست می‌آوریم، باز یک حلقه‌ی مفقوده‌ای تا نتیجه‌گیری نهایی وجود دارد.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- آن حلقه‌ی مفقوده کشف این مطلب است که ارتکاز یا سیره از چه حیثیتی از حیثیات ما یا جمع نشأت گرفته است؟ آیا آن حیثیت یک حیثیت عقلایی است که مشترک بین همه است یا یک حیثیت اسلامی است که مشترک بین مسلمانان است و یا یک حیثیت قومی است که فقط به قومیت خاصی اختصاص دارد؟

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در آنجا گفتیم از طریق تحلیل پی به منشأ آن ارتکاز می‌بریم و درمی‌یابیم که آنچه به دست آوردیم از حیثیت عقلایی است یا از حیثیت اسلامی یا شیعی یا قومی یا ملی و...

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- خود این نکته که بپذیریم بین عقلا حیثیات مشترکی وجود دارد و تمام عقلا در عقلائییشان با هم مشترکند یا بپذیریم که تمام مسلمانان در حیثیت اسلامی و مسلمان بودنشان با هم مشترکند یا تمام ایرانی‌ها در حیثیت ایرانی‌شان با هم مشترکند، همه‌ی اینها یک پیش فرض دارد و آن این که بین انسان‌ها اشتراک وجود دارد و این اشتراک هم می‌تواند محدود به دوره‌ی تاریخی خاص و شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خاصی باشد و هم می‌تواند تمامی انسان‌ها را در طول تاریخ و در هر موقعیت و شرایطی که باشند، در برگیرد و دومی امری فراتر از اولی است که در سیره‌ها و ارتکازات عقلایی باید به عنوان یک مبنا مورد پذیرش قرار گیرد.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بر اساس این مبنا درست است که انسان‌ها با هم تفاوت‌هایی دارند، اما هویتشان بر یک بستر مشترک انسانی شکل می‌گیرد. یعنی حتی انسان‌هایی با فرهنگ‌های بسیار دور و انسان‌هایی که در زمان‌های مختلف یا مکان‌های مختلف و در موقعیت‌های کاملاً متفاوت هستند، در یک بستر انسانی با یکدیگر مشترکند و دارای فطریات بشری و طبیعت بشری یکسان هستند.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این مبنا که یک مبنای معرفت شناسانه و به تعبیر دقیق تر انسان شناسانه است، در هرمنوتیک نسبی گرا مورد نقد قرار گرفته و پذیرفته نشده است.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- همان طور که در بحث‌های هرمنوتیکی شاهد بودیم، بر اساس دیدگاه فلسفی هایدگر ما در یک موقعیت خاصی از عالم پرتاب می‌شویم.
- ما به هیچ وجه نمی‌توانیم نسبت به آن موقعیت تصمیم بگیریم. آن موقعیت امری است که بر ما تحمیل می‌شود. بعد از قرار گرفتن در یک موقعیت، همه‌ی معارف ما و همه‌ی هویت ما بر اساس همان موقعیت شکل می‌گیرد.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- نظر هایدگر در هرمنوتیک نسبی‌گرای گادامر به این صورت معنا شد که یک انسان در یک بستر خاصی از مفاهیم پذیرفته شده - سنت - متولد می‌شود. همه‌ی مفاهیمی که به او القا می‌شود، مفاهیمی است که در آن سنت پذیرفته شده و از طریق زبان که عامل انتقال معرفت است، به او انتقال پیدا می‌کند.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- از آنجا که این زبان با آن فهم مرتبط است، این شخص در یک نقطه و موقعیت خاصی قرار می‌گیرد که همه‌ی آن مفاهیمی را که به او منتقل می‌شود، از منظر خودش و از زاویه‌ی دید خودش می‌فهمد و یا به تعبیر هرمنوتیک آنها را تفسیر می‌کند. زیرا آنها معتقدند فرایند فهم یک فرایند تفسیری است.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین نتیجه‌ای که نهایتاً می‌گیرند این است که هر انسانی فهم خاص خودش را دارد و هیچ دو انسانی در فهم با هم مشترک نیستند و حتی آن نقاطی از افق دید آنها که با هم مشترک است - آن محدوده‌ای را که هر دو می‌بینند - باز به دلیل تفاوتی که در موقعیتشان وجود دارد، از زوایای مختلف می‌بینند.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- پس در نگاه گادامر اصلاً دو انسان - حتی دو برادر که در یک خانواده متولد می‌شوند و یا دو قلوها که با هم پا به عرصه‌ی دنیا می‌گذارند - نمی‌توانند به فهم یکسان از یک پدیده دست پیدا کنند. آنها اگرچه ممکن است خیلی به هم نزدیک شوند و در نتیجه فهم‌های خیلی نزدیک به هم داشته باشند، اما باز در یک نقطه و یک موقعیت قرار ندارند، پس از این جهت با هم متفاوتند و همین تفاوت، باعث تفاوت در فهم‌های آنها می‌شود.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این دو دیدگاه در مورد انسان - دیدگاهی که برای انسان‌ها هویت مشترک قایل است و دیدگاهی که در هرمنوتیک نسبی‌گرا مطرح می‌شود - در بحث روش عرفی تأثیر می‌گذارد.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- روش عرفی بر این مبنا استوار است که واقعاً بین انسان‌ها مشترکاتی قابل باشیم.
- یعنی تفاوت‌ها را امری ثانوی بدانیم که بعداً پیدا می‌شود و آن اشتراک‌ها را امور زیربنایی تلقی کنیم تا بتوانیم با جست‌وجوی لایه‌های زیرین به نقطه‌ی مشترک برسیم.

ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- وقتی در اصول یا فقه به سیره یا ارتکازی دست پیدا می‌کنیم و می‌گوییم این سیره و ارتکاز در زمان معصومان علیهم السلام نیز بوده، در واقع بر همین نقاط مشترک دست گذاشته‌ایم و الا اگر این تفسیر از انسان را به تفسیری که در هرمنوتیک نسبی گرا است، تبدیل کنیم، دیگر دستیابی به یک نقطه‌ی مشترک به این معنا که همه‌ی انسان‌ها در آنجا یک فهم مشترک و یک قضاوت مشترک داشته باشند، تقریباً غیر ممکن می‌شود.

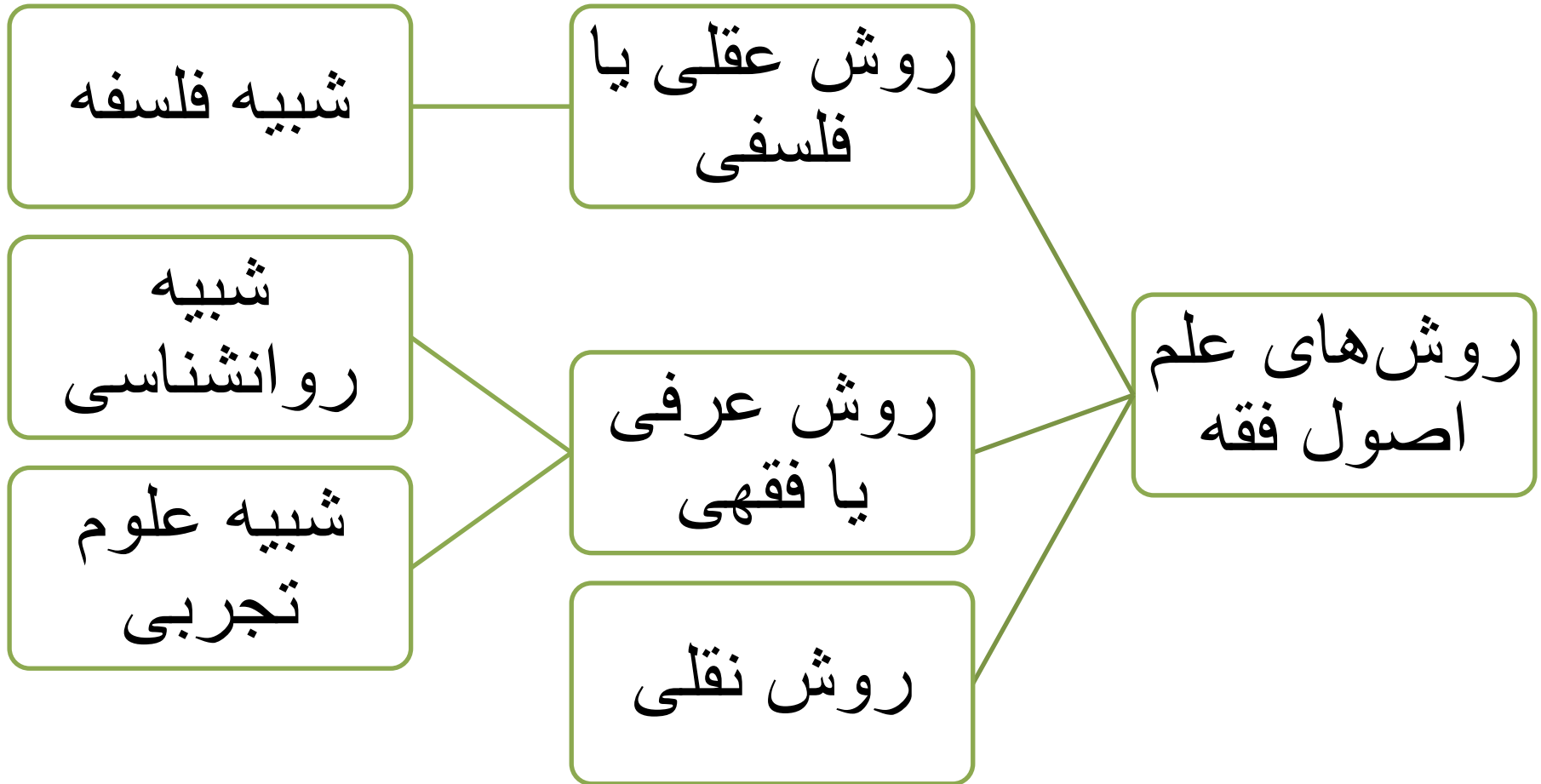
ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- خلاصه‌ی مطلب آن که:
- نقدهای مستقلى که به لحاظ معرفت شناسی بر روش عرفی وارد می‌شود، نقد به پیش فرض‌های این روش است. یعنی در کنار اشکالاتی که بر روش قیاسی وارد می‌شود که در آنها روش عرفی با روش قیاسی مشترک است و در کنار اشکالاتی که به روش استقرارایی می‌شود که باز روش عرفی در آنها با روش استقرارایی مشترک است، روش عرفی اشکالاتی خاص به خود دارد که در ناحیه‌ی پیش فرض‌های آن است.

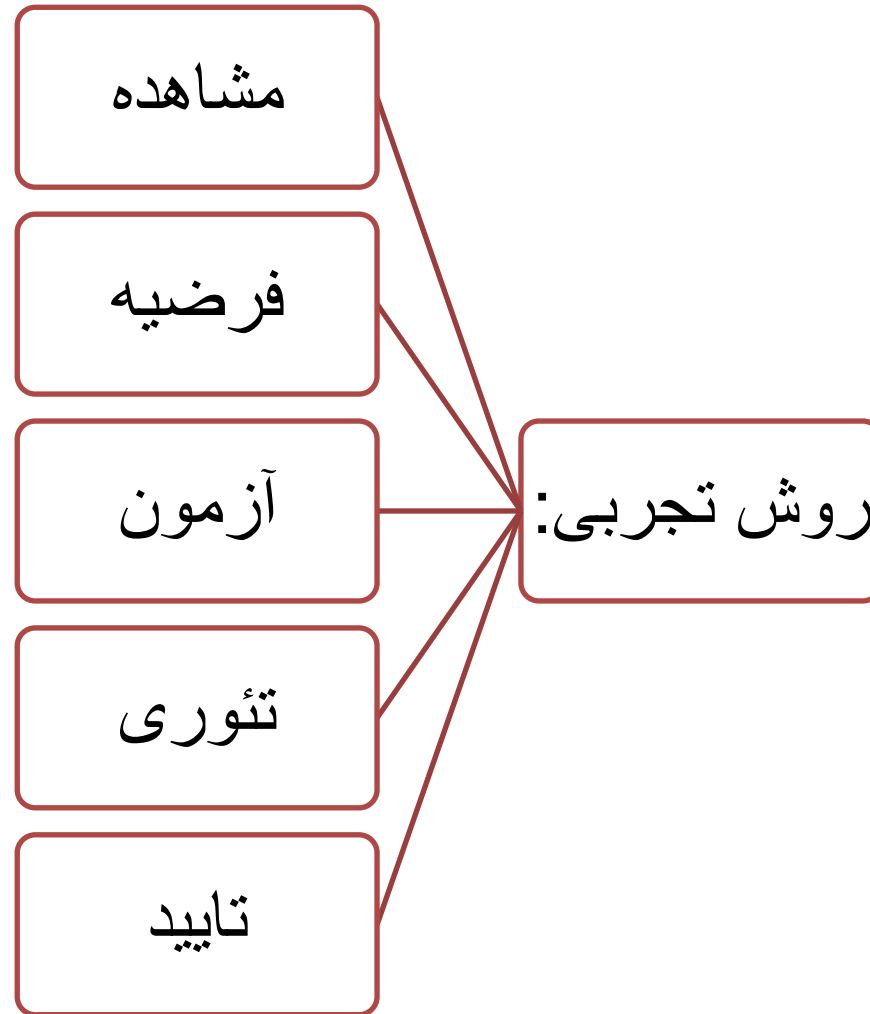
ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ر. ک: نوشتار حاضر، مبحث «رویکرد تحلیلی مکمل دو روش ذهنی و عینی» و مبحث «رویکرد تحلیلی در نگاهی دقیق تر».

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



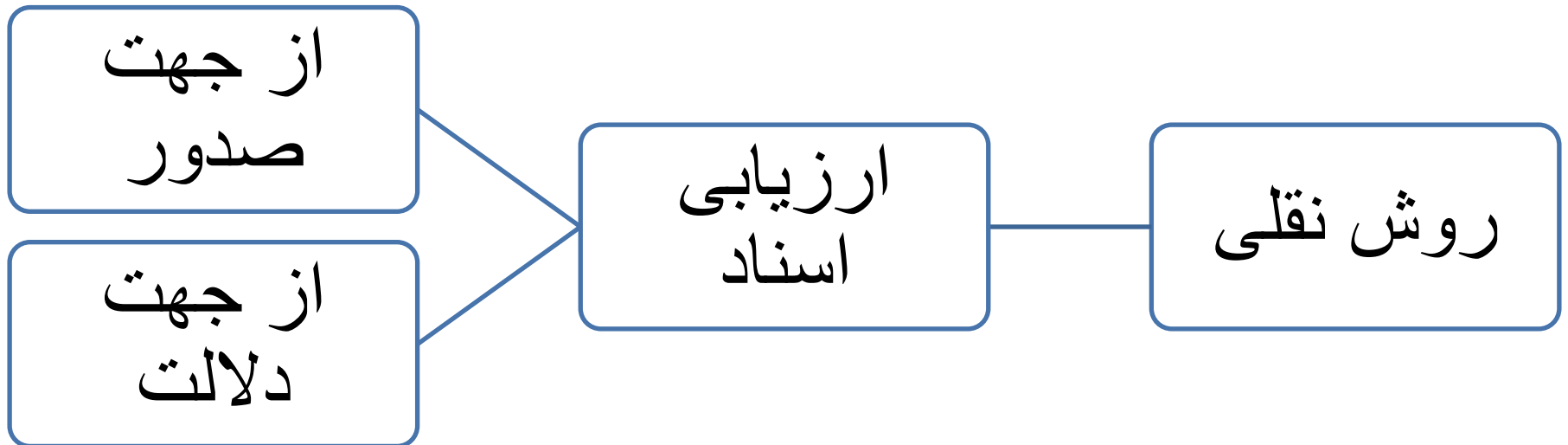
روش در علوم طبیعی



ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- فصل سوم
- ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی
-

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- گفتیم در روش نقلی، اسناد از دو جهت ارزیابی می‌شوند: ا. از جهت صدور. ب. از جهت دلالت.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- در بررسی صدور، اسناد به لحاظ صدور مورد بررسی قرار می‌گیرند و از آنجا که در علم اصول، آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد، نقل گفتارها و رفتارها است، اسنادی که در این علم بررسی می‌شوند، اسناد گفتاری یا اسناد نوشتاری است.
- بنابراین ما در اصول اسناد را بررسی می‌کنیم تا مطمئن شویم که نویسنده، چنین مطلبی را نقل کرده و آن را از افراد معتبر و قابل اعتمادی گرفته و بالاخره معصوم علیه السلام چنین سخنی را فرموده یا چنین رفتاری داشته است.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

«وحيانی بودن الفاظ قرآن
اضافه بر معانی آن»،

«شکل‌گیری عبارات و
سوره‌ها به هدایت وحی»،

«عدم تحریف قرآن»،

«متواتر بودن قرآن»

مبانی بررسی
صدوری اسناد

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- بررسی صدور اسناد بر یک سری مبانی مبتنی است.
- برخی از این مبانی، مبانی کلامی هستند که ما در مبادی تصدیقی فلسفه علم اصول فقه به آنها پرداخته‌ایم.
- بحث‌هایی مثل «وحيانی بودن الفاظ قرآن اضافه بر معانی آن»، «شکل‌گیری عبارات و سوره‌ها به هدایت وحی»، «عدم تحریف قرآن»، «متواتر بودن قرآن» از جمله‌ی آنها است.

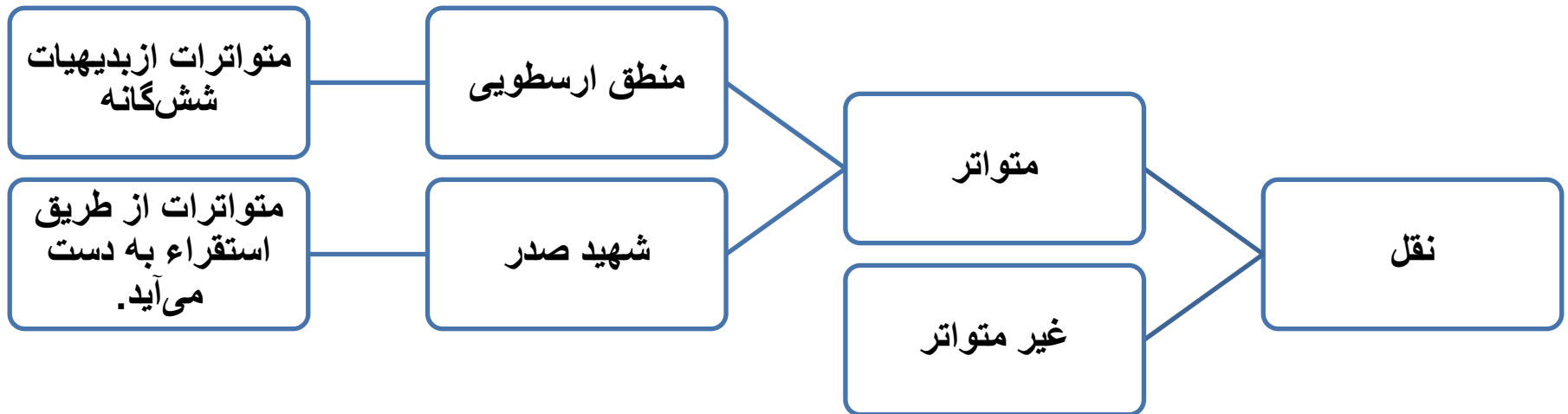
ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

متواتر

غیر متواتر

نقل

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- همین طور در بحث صدوری این روش، نقل را به متواتر و غیر متواتر تقسیم می‌کنیم.
- در نقل متواتر نیز یک سری مبانی وجود دارد که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.
- به طور مثال در منطق ارسطویی، متواترات جزو بدیهیات شش‌گانه هستند؛ در حالی که شهید صدر این مبنا را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن را رد می‌کند. در نظر وی متواترات از طریق استقراء به دست می‌آید.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- در بحث اخبار آحاد نیز با بحث مبانی اصولی مسأله و مبانی رجالی آن درگیر هستیم.
- به طور مثال اگر بپذیریم خبر واحد ثقه حجت است، در هر مسأله‌ی اصولی که از طریق خبر واحد ثابت گردد، باید ثقه بودن راوی را ملحوظ نماییم.
- اما اگر وثوق به صدور روایت را کافی بدانیم و ثقه بودن راوی را لازم ندانیم، می‌توانیم به روایتی تمسک کنیم که اطمینان به صدور آنها داریم؛ اگرچه راوی آن ثقه نباشد.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- و اگر مبنای منسوب به سید مرتضی و ابن ادریس و سید بن زهره را مبنی بر این که خبر واحد حجت نیست، بپذیریم، اصلاً نمی‌توانیم به اخبار آحاد تمسک کنیم و باید به اخباری مراجعه کنیم که مثلاً از طریق قرائن یا از طریق تواتر به صدور آنها قطع پیدا کرده باشیم.
- بنابراین در بحث صدوری روش نقلی اگر بخواهیم به خبر واحد عمل کنیم و یا شرایطی را در مورد خبر واحد احراز کنیم، باید یک سری مبانی را بپذیرا باشیم که خود آنها هم به نوبه‌ی خودشان بر یک سر مبانی کلامی استوار خواهند بود.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- در بحث دلالتی روش نقلی یعنی در شناخت مفاهیم آیات یا روایات نیز مبانی و پیش فرض‌هایی وجود دارد، که به تفسیر متن مربوط می‌شود.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- به طور مثال باید بپذیریم که هر سخنگویی از الفاظ خودش معنایی را اراده کرده است و ما می‌توانیم به آن معنا دست پیدا کنیم. بنابراین در مقام تفسیر متن، مسئولیت داریم که معانی مراد گوینده یا نویسنده را به دست آوریم. و این کاری است که مجتهدان انجام می‌دهند. آنها سعی می‌کنند مراد معصوم علیه السلام یا مراد خداوند تبارک و تعالی را در آیات و روایات تعیین کنند.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- همان طور که در بحث‌های هرمنوتیک گفتیم، قبل از هرمنوتیک نسبی‌گرا، هرمنوتیک‌ها در صدد بودند بدانند معنای نهایی متن چگونه قابل کشف است. در آنجا گفتیم: شلایرماخر در پی قوانین عمومی تفسیر متن بود و سعی کرد بتواند برای فهم‌های مختلفی که نسبت به همه‌ی متون و به صورت خاص نسبت به متون مقدس وجود داشت، ضابطه‌ای بیاید تا بر اساس آن ضابطه، این فهم را ارزیابی کند.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- اما در هرمنوتیک نسبی‌گرا به طور کلی امکان دستیابی به مراد متکلم مورد انکار قرار گرفت. در نظر معتقدان این رأی، ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم مراد متکلم یا نویسنده یا شاعر را دریابیم؛ زیرا وی در موقعیت خاص خود، فهمی از الفاظ داشته که هیچ‌گاه برای ما دست‌یافتنی نیست. نهایتاً ما می‌توانیم از منظر خود به تفسیر آن متون پردازیم.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- بحث قراءات مختلف که امروزه مطرح می‌شود، ریشه در همین اعتقاد دارد. اصل خاستگاه این بحث یا لااقل یکی از خاستگاه‌های مهم آن در غرب، همین بحث هرمنوتیک است. مقصود آنها صرف اختلافات در تفسیرها نیست؛ زیرا اختلاف در تفسیر امر جدیدی نیست.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- از گذشته تا حال حال متون مختلف به صورت‌های مختلف تفسیر شده‌اند، اما همیشه این پیش فرض وجود داشته که همه‌ی این تفسیرها مطابق با واقع نیستند و هر متنی یک تفسیر دقیق و کامل‌تر ندارد. در حالی که در اعتقاد هر منوتیک‌های نسبی‌گرا اصلاً تفسیر معیار وجود ندارد و نمی‌توان یک تفسیر صحیح کامل جامع‌ارایه کرد، هر کس قرائت خاص خودش را عرضه می‌کند.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- یعنی هر کس بر اساس مجموعه‌ی پیش فرض‌های خود که به او تحمیل شده و بر اساس موقعیتی که در آن قرار گرفته - موقعیت معرفت شناسانه - فهم خودش را نسبت به یک متن عرضه می‌کند. و وقتی او عرضه می‌کند ما از قرائت او، قرائنی خواهیم داشت.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- بنابراین غیر از هرمنوتیک‌های نسبی‌گرا، دیگران منکر تفاوت‌های تفسیر نیستند، ولی معتقدند به هر حال یک معیاری در صحت و سقم تفسیر وجود دارد. از این رو، کسانی مثل هیرش که هرمنوتیک نسبی‌گرا را نقد کردند، بر این اعتقادند که پذیرش این مبانی ارزش تفسیر و هدف تفسیر را از بین می‌برد.

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- اگر بنا باشد فهم من، یک فهم شخصی باشد که هیچ گاه با فهم گوینده و نویسنده تطبیق نکند، چرا اصلاً به تفسیر سخن گوینده می پردازیم؟ من که هیچ وقت نمی توانم به فهم او دست پیدا کنم، چرا اقدام به چنین کار می کنم؟ از آن سو، چه معیاری وجود دارد برای این که دریابم این تفسیر من، تفسیر معتبر و ارزشمندی است؟

ارزیابی روش نقلی به لحاظ معرفتی

- پس این که می‌پذیریم تفسیر هدف دارد و هدفش فهم کلام گوینده یا نویسنده است و می‌پذیریم تفسیر صحت و سقم دارد، معنایش انکار هر منوتیک نسبی‌گرا است؛ اما معنای این کلام آن نیست که اختلاف در تفاسیر را نمی‌پذیریم. اگر اختلاف در تفاسیر به وجود آید، قطعاً همه‌ی آن تفاسیر نمی‌تواند همزمان درست باشد.